نقش خانواده در شكل‌گیری بعد رفتاري شخصیت کودک و نوجوان

**اصغر اخوی**[[1]](#footnote-1)

جواد علی‌محمدی[[2]](#footnote-2)

چکيده

انسان موجودی تربیت‌پذیر و قابل تغییر است. تربیت عبارت است از هدایت و رشد همه جانبه‌ی شخصیت فرد که شامل ابعاد مختلف جسمانی، شناختی، عاطفی، رفتار فردی و رفتار اجتماعی می‌شود.

در این مقاله نقش خانواده در شکل‌گیری بعد رفتاري شخصیت کودک و نوجوان و برخی عوامل دخیل در آن از جمله دوستان، هم‌سالان و انتخاب دوست مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. همچنین اهمیت و جایگاه خانواده و نیز ارتباط متقابل کودک و نوجوان با آن تحلیل، بررسی و توصیف شده است.

از دیدگاه اسلام (آیات و روایات) علاوه بر مهم شمردن نقش خانواده و ساير عوامل، نقش هم‌سالان و دوستان ازجایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نوع دوستان و هم‌سالان و نوع اعتقاد، فرهنگ و رفتار آن‏ها در سعادت و شقاوت کودک و نوجوان موثر هستند.

کلید واژگان: نقش، خانواده، رشد، شخصیت، کودک، نوجوان، رفتار.

# مقدمه

نقش خانواده در شکل‌‌دهی و شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رفتار خانواده به خصوص اعتقادات و رفتارهای پدر و مادر به صورت مستقیم و غیر‌مستقیم در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان تأثیر گذاشته و نهادینه می‌شود. دین مقدس اسلام تفاهم و اخلاق حسنه، عفو و گذشت، صبر و تحمل، ایثار و فداکاری، سلامت روان و ایجاد آرامش را در خانواده مورد تأکید قرار داده است. اسلام به زن و مرد سفارش می‌کند به یک‏دیگر احترام بگذارند، صبر و عفو و گذشت داشته باشند و اخلاق اسلامی را رعایت کنند. تأکید اسلام و بزرگان دین بر سلامت خانواده به این جهت است که والدین اوّلین و مهم‌ترین الگوی فرزندان به‌شمار می‌روند. اگر پدر و مادر سالم و پاک نباشند، نمی‌توانند فرزندان سالم، پاک، خلاّق و مؤمن تربیت کنند و به جامعه تحویل دهند. روان‏شناسان معتقدند کودک و نوجوان سالم و مطلوب از خانواده سالم و آگاه وارد جامعه می‌شود و می‌تواند در آینده تحوّلات بزرگی ایجاد نماید. محیط سالم خانواده، فضای بسیار مناسبی برای شکوفا ‌شدن استعدادهای فکری، روحی و جسمی فرزندان است تا بتوانند به سعادت خود و اجتماع کمک کنند. در این مقاله سعی بر این است که نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان در بعد رفتار فردی و اجتماعی، از نظر روان‏شناسان و متخصصان علوم تربیتی و با کمک آیات و روایات تحلیل و بررسی گردد.

# اهمیت و ضرورت انجام تحقيق

با توجه به اهميت نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان، لازم است در مورد روش‌ها و راه‏کارهای تربیتی خانواده در مراحل شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان، تحقیق وسیعی انجام شود. اگر طبق شناخت و تعریف مطلوب خانواده راه‏کارها و روش‌های مطلوب اصلاح و تغییر در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان انجام شود، نتیجه‌ی مطلوب به‌دست می‌آید. با توجه به اهميت موضوع تربيت كودك و نوجوان و شکل‌گیری شخصيت آن‏ها به صورت مطلوب، بررسی‌های تخصصی و تحلیل منطقی ضرورت دارد. سابقه تحقيق

با بررسی‌های انجام شده در کتاب‏ها، پایان‏نامه‌ها، تحقیقات و مقالات در خصوص نقش خانواده در شکل‌گیری بعد رفتاری شخصیت کودک و نوجوان عنوان مذکور به‌صورت مستقل یافت نشد. در کتاب‏های روان‌شناسی و تربیتی نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان مطرح شده‌است، اما کلی و ناقص بوده و بررسی‌های لازم صورت نگرفته است. از این رو راه‏کارهای لازم و به روز بحث و بررسی نشده است تا حلاّل مشکلات خانواده‌ها و جامعه‌ی پیچیده در عصر حاضر باشد.

با توجه به این ‌که عصر حاضر عصر ارتباطات و اینترنت است ارائه راه‏کارهای تخصصی و به روز برای شکل‌گیری بعد رفتاری شخصیت کودک و نوجوان لازم است. کار تربیتی در عصر پیچیده‌ی امروز به مراتب‌ سخت‌تر از گذشته است، لذا به کارگیری ابزارهای جدید مثبت و مطلوب در مقابل ابزارهای منفی، برای اصلاح و تغییر رفتار و شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان لازم است. در این‌جا به برخی از نمونه آثار تالیف شده در این حوزه ‌ها اشاره می‌شود:

1. رشد شناختی، مؤلف: جان اچ فلاول، ترجمه‌: فرهاد ماهر.

در این کتاب در مورد رشد شناختی، روندهای تحولی کودک و نوجوان، شناخت اجتماعی و رشد شناختی اجتماعی بحث‌هایی مطرح شده است، اما بحث و بررسی‌ها ناقص و پراکنده بوده و به نقش خانواده، محیط و ... در بعد رفتاری به صورت کم‌رنگ اشاره شده است.

1. نظریات کاربردی تربیت کودکان، مؤلف: آلفرد آدلر، ترجمه: محمد حسین سروری.

در فصل هشتم و فصل چهاردهم این کتاب با عنوان« کودک در خانواده، تربیت والدین» به صورت کلی نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک مورد کنکاش قرار گرفته ‌است.

1. رشد و شخصیت کودک، مؤلف: پاول هنری ماسن و دیگران، ترجمه: مهشید یاسایی.

این کتاب در شانزده فصل تنظیم گردیده‌است. در فصل دوازدهم و چهاردهم، به نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان تحت عنوان روش‌های فرزندپروری، الگوها و شیوه‌های رفتاری والدین، انواع رفتارهای والدین، تغییر نگرش فرزندان و... اشاره گردیده اما بحث‌‌ها کلی و پراکنده است.

4- پرورش هوش هیجانی در کودکان، مؤلف: جان گاتمن، ترجمه: حمیدرضا بلوچ.

در این کتاب سبک‌‌های چهارگانه فرزندپروری شامل: والدین بی‌توجه، والدین ناراضی، والدین آسان‌گیر و والدین مربی هیجان مورد مطالعه قرار گرفته است. کتاب به بررسی مراحل پرورش هیجان، نقش مهم پدر، پرورش هیجان هم‌پای رشد کودک از دوران طفولیت تا دوازده سالگی و دوران نوجوانی می‏پردازد. اگرچه مطالب مفیدی در مورد نقش خانواده وجود دارد اما به شکل‌گیری بعد رفتاری شخصیت کودک و نوجوان، توجه لازم صورت نگرفته‌است.

#  هدف تحقیق:

هدف مقاله، بررسی نقش خانواده در شکل‌گیری بعد رفتاری شخصیت کودک و نوجوان در ابعاد فردی و اجتماعی می‌باشد.

**اهداف فرعی:**

1. بررسی ارتباط متقابل رفتار فردی و اجتماعی؛
2. بررسی اهمیت و جایگاه بعد رفتاری؛
3. بررسی ارتباط متقابل کودک و نوجوان با بعدرفتاری.

# سؤالات تحقیق :

**1. سؤال اصلي**

نقش خانواده در شکل‌گیری بعد رفتاری شخصیت کودک و نوجوان چیست؟

#### 2. سؤالات فرعي

#### 2-1 نقش خانواده در شکل‌گیری بعد رفتار فردی، شخصیت کودک و نوجوان چیست؟

 2-2 خانواده چه نقشی در شکل‌گیری بعد رفتار اجتماعی شخصیت کودک و نوجوان دارد؟

# روش تحقيق

در اين مقاله برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخآن‏های استفاده شده و در مجموع روش تحقیق از دو روش توصیفی و تحلیلی بهره گرفته است.

# مفاهیم

# 1. شخصیت

شخصیت در لغت عبارت‌است از: شرافت، رفعت، بزرگواری، مرتبه و درجه، صاحب وجودی، وجود، منش، ملاطفت و نجابت (علی اکبر دهخدا، 1377).

شخصیت در اصطلاح عبارت‌است از: مجموعه‌ای از جنبه‌های بدنی، عادت، تمایلات، حالات، افکار، نظریات، استعدادها و حالات و رفتار هر فرد که به‌صورت خصوصیات و صفاتی نسبتاً پایدار درآمده و به عنوان یک کل و واحد عمل می‌کند (اکرم{گیتی} حیدری، 1372،ص9).

**2. کودک**

کودک در لغت عبارت است از: کوچک، صغیر. فرزندی که به حد بلوغ نرسیده باشد. طفل، بچه، ولید، صبی، صبیه (علی اکبر دهخدا، 1377).

**تعریف کودک از نظر فقها و علمای حقوق**:

علمای حقوق می‌گویند: «پسر و دختری که به بلوغ شرعی نرسیده ‌است از محجورین است. به محض رسیدن به بلوغ حجر او محو می‌شود بدون این‌که احتیاج به صدور حکم از سوی حاکم شرع باشد. اگر قبل از از بلوغ به حدی برسد که دارای تمیز باشد او را صغیر ممیّز گویند» (محمد جعفر لنگرودی، 1381، ص2352).

**تعریف کودک از نظر حضرت امام خمینی(ره):**

«صغیر کسی است که به حد بلوغ نرسیده باشد. این شخص از تصرّفات در اموال خود ممنوع خواهد بود. در ادامه می‌فرماید: «هرچند که در کمال تمیزی و رشد باشد و تصرفاتش در نهایت سود و صلاح صورت گیرد. چنین شخصی از نظر فقها کودک تلقی می‌گردد» (روح الله الموسوی الخمینی(ره) 1408ق، ص12).

# 3*.* نوجوان

نوجوانی دوره‌ای بین کودکی و بزرگسالی که در همه‏ی زمینه‌های زیستی\_ روانی، رفتاری- اخلاقی و اجتماعی تغییراتی ایجاد می‌شود و در این دوره نوجوانی با مشکلات رفتاری، تعارض‌ها، بحرآن‏ها از جمله بحران بلوغ و هویت روبرو می‌شود (سبحانی فرد، سال تحصیلی 92- 91).

**تعریف نوجوانی از نظر دایره‏المعارف بریتانیکا:**

نوجوانی اغلب عبارت است از: «دوره‌ی بین بچگی و بزرگسالی که بعضی از مؤلفین نوجوانی را مساوی با بلوغ جنسی و دوره تغییرات فیزیکی می‌دانند که اوج آن در تکامل و رسیدگی در تولید مثل است، اما اغلب نوجوانی را با مفاهیم روانی و اجتماعی تعریف می‌کنند. برای مثال: شروع آن با بلوغ جنسی و خاتمه‏ی مبهم و نامشخص آن با بزرگسالی است» (محمد رضا شرفی، 1383، ص39).

# بخش دوم: عوامل مؤثر در رشد شخصیت کودکان و نوجوانان

در رشد و تکامل کودکان و نوجوانان، عوامل زیادی مؤثر هستند، میزان تاثیر این عوامل به میزان توانایی و درک کودک و نوجوان از اهمیت این عوامل بستگی دارد. بنابراین مطالعه و تحقیق در عواملی که در رشد و تکامل شخصیت کودک و نوجوان مؤثر هستند، ضروری است.

روان‏‌شناسان درباره‏ی انواع عواملی که در رشد شخصیت تأثیر دارند اختلاف نظر دارند. برخی از روان‌شناسان به عوامل طبیعی و بیولوژیک و گروه دیگر فقط به عوامل اجتماعی اهمیت می‌دهند ولی اصل مسلّم این است که شخصیت هر فرد، نتیجه هم‏کاری و تعامل و تفاعل همه‏ی عوامل نام برده ‌است (شعاری‏نژاد،روان‌شناسی رشد، 1378 ص 607).

عوامل مؤثر در رشد شخصیت کودک و نوجوان، تحت سه عنوان مورد بحث قرار گرفته است که عبارتند از: عوامل شخصی، عوامل خانوادگی و عوامل اجتماعی. عوامل شخصی شامل غدد داخلی، بدن، بهداشت، وراثت، پوشاک، نام کودک و نوجوان، هوش، تجارب اولیه و سطح آرزو می‌شود. عوامل اجتماعی شامل محیط مدرسه و محیط اجتماعی عمومی می‌گردد. عوامل خانوادگی شامل مادر، پدر، شرایط زندگی خانوادگی، شرایط اقتصادی و اجتماعی می‌شود ( همان، ص 626).

تمام عوامل نامبرده به نحوی در رشد شخصیت کودک و نوجوان تاثیر دارند که در این‌جا به برخی از آن‏ها اشاره می‌شود.

# عوامل شخصی

ترشحات غده‌‌های داخلی که هورمون‌ نامیده می‌شود در رشد و تکامل فرد مؤثرند. هورمون‏ها سبب هوشیاری یا تنبلی، شتاب‌زدگی یا خونسردی، خودداری یا آشفتگی هیجانی می‌شوند. به‌طور کلی تأثیر زیادی در رشد شخصیت دارند. برای مثال تیروکسین که از غده تیروئید مترشّح می‌شود، فعالیت عصبی و عضلی را تعدیل می‌کند و در چگونگی حالات هیجانی مؤثر است (همان).

# 2 . عوامل خانوادگی

به عقیده برخی از روان ‌شناسان، شخصیت افراد بیش از آن‌که به ژن‌ها مربوط باشد به پرستاران و سرپرستاران ایشان بستگی دارد و نخستین سرپرست کودک و نوجوان مادرش است. مادر در دو مرحله بر شخصیت کودک اثر می‌گذارد. اول: در دوره جنینی که هرگاه مادر حامله و باردار دچار اضطراب و هیجان شود، جنین بسیار فعال می‌شود و این رفتار ممکن است مدت‌ها ادامه داشته باشد. وقتی مادر دچار ترس یا عصبی شود، غده‏‌های درون‎ریز، مخصوصاً آدرنالین فعال می‌شوند و ترشحات آن‏ها به وسیله جفت به جنین منتقل می‌شوند و تجربه ثابت کرده است که این آثار نیز به نوزاد انتقال می‌یابد. دوم: بعد از تولد که شخصیت و رفتار مادر مستقیماً روی شخصیت کودک اثر خواهد گذاشت (همان، ص 611).

معمولاً‌ در کتاب‏های روان ‌شناسی و تربیتی، بیشتر از نقش تربیتی مادر سخن به میان آمده و مورد بررسی قرار گرفته است. آیا نقش تربیتی پدر کم‏تر از مادر است؟ جواب این است که نقش تربیتی پدر به هیچ وجه کم‏تر از مادر نیست. روان‌شناسان رشد در این زمینه می‌گویند: «مطالعاتی که اخیراً به عمل آمده است، نشان می‌دهد شخصیت و نقش پدر در رشد و تکامل شخصیت کودک از مادر کم‏تر نیست» (همان، ص 612). به‌خصوص درباره‏ی فرزندان پسر که حضور پدر در خانه اهمیت خاصی دارد. کودکانی که غالباً پدران‏‌شان در خانه نیستند، کم سازگار می‌شوند، کم‏تر صفت مردانه دارند و روابط دوستانه‏‌شان بسیار نامناسب است در مقایسه با کودکانی که پدران‌شان در خانه هستند. مسأله مهم دیگر، این قبیل پسران از همانندسازی با هم‏جنس محروم می‌شوند زیرا معمولاً می‌خواهند رفتارشان را به شکل رفتار هم‏جنس خود در آورند. پسر از پدر و دختر از مادر تقلید می‌کند. البته این همانندسازی بیشتر به‌طور نا خودآگاه انجام می‌گیرد (همان).

# 3. شرایط اقتصادی، اجتماعی

شرایط مالی و موقعیت اجتماعی والدین نیز بر رشد شخصیت کودک و به‌خصوص شخصیت نوجوان بسیار تأثیر دارد. وقتی نوجوان در میان دوستان و هم‌سالان خود لباس مناسب نداشته باشد، در مدرسه خوراک مناسب نداشته باشد و یا پول کافی برای خرید نداشته باشد، از لحاظ روحی و روانی خرد و تحقیر می‌شود و در جمع دوستان خود احساس حقارت می‌کند.

روان ‌شناسان معتقدند شرایط مالی و اجتماعی خانواده به‌طور مستقیم وا غیر‌مستقیم در رشد و تکامل شخصیت کودک مؤثر است. کودکی که تمام وسائل زندگی و ارضای امیال برایش فراهم است در سازگاری اجتماعی کم‏تر دچار اشکال می‌شود و در نتیجه رشد شخصیت خوبی خواهد داشت ولی کودکی که از این نعمت محروم است همواره خود را حقیر و ناقص می‌پندارد. همین اهمیت تأثیر خانواده در رشد شخصیت کودک، سبب شده که روان‏‌شناسان توصیه کنند، خانواده و مدرسه باید در آموزش و پرورش کودک با یک‏دیگر صمیمانه هم‏کاری کنند و هر اندازه فاصله و جدایی میان این دو محیط بیشتر باشد به همان میزان موفقیت در تربیت کودک کم‏تر خواهد بود ( همان، ص 613).

**4. شخصیت سالم**

انسان در طول تاریخ سعی کرده خود را کامل کند. انسان قادر است به حالاتی دست یابد تا با آن در کمال و خوبی به مراتب از دیگر موجودات پیشی گیرد.

یکی از تفاوت‏‌های اساسی انسان با سایر موجودات این است که انسان دارای قوه عاقله است. عقل انسان را به‌سوی پیشرفت‌هایی در زندگی شخصی و اجتماعی هدایت می‌کند و انسان توسط عقل به جهان اطراف خود معنا می‌بخشد و توانایی ارتباط با دیگران را توسط تعقل و تفکر دارا می‌باشد و این ارتباط فعلیت پیدا می‌کند. **روان شناسان در این زمینه می‌گویند:**

یکی دیگر از صفات منحصر به فرد انسان این‌ است که هیچ‌گونه راه غریزی برای تجربه عالم هستی و یا اعمال خویش ندارد. وی بیش از هر مخلوق دیگر مقلّدی است که از الگوهای موجود در دسترس خود تقلید می‌کند و مبتکری است که راه‌های تازه را کشف می‌کند (سیدنی جوراد، تدلاند سمن، ترجمه فرهاد منصف، 1387، ص12).

سالم بودن شخصیت کودک و نوجوان مربوط به خانه و خانواده می‌باشد. رفتار والدین، نوع تربیت و آگاهی والدین از شخصیت تا چه حدی باید باشد تا بتوانند کودک و نوجوان خود را به صورت صحیح راهنمایی کنند و شخصیت سالمی برای آن‏ها ایجاد کنند. شکل‌گیری شخصیت در خانواده پی‌ریزی می‌شود و بعد در سایر محیط‌‌‌ها به‌خصوص در مدرسه پرورش داده می‌شود و به تدریج شاکله می‌شود.

روان‏شناسان معتقدند کودکانی دارای شخصیت سالم هستند که هدف‌‌های واقعی را دنبال می‌کنند. آن‏ها می‌توانند نیازهای خود را ارضا کنند و شیوه‌ اعمال‌شان از لحاظ اجتماعی مورد پذیرش است. یکی دیگر از خصایص شخصیت سالم کودک، رغبت اجتماعی او است که به دیگران به همان اندازه خودش توجّه دارد. می‌تواند دیگران را دوست بدارد و با دیگران هم‌دردی می‌کند و به خود اعتماد دارد و می‌تواند مسؤلیتی به عهده بگیرد (براون، کارول، 1393. ص604).

شخصیت انسان به‌طور غیر‌مستقیم تحت تاثیر تخلیه هیجانی قرار دارد. تخلیه هیجانی و یا تخلیه روانی برای سلامت شخصیت لازم است. تخلیه هیجانی یا تعادل و کنترل هیجآن‏ها باعث تنظیم تعادل حیاتی می‌شود. کودک یا نوجوان در هنگام مواجهه با مشکلات اگر در خانواده‌ی سالم باشند و والدین با آن‏ها رابطه صمیمی داشته باشند، می‌توانند به راحتی مشکلات‏‌شان را مطرح کنند و راهنمایی شوند تا مشکل‌شان بر طرف شود. در این صورت دو کار به صورت هم‌زمان انجام می‌شود، یعنی کودک یا نوجوان با مطرح کردن مشکل خود در حضور پدر یا مادر هم تخلیه روانی می‌شود و احساس سبکی می‌کند و اعتماد به نفسش بالا می‌رود و هم این که راه حل مشکل را والدین به او نشان می‌دهند و یاد می‌گیرد که چگونه با مشکل کنار بیاید و تحمل کند و برای او طبیعی و عادی جلوه می‌کند. اگر کودک و نوجوان در خانواده‌ای سخت‌گیر و بهانه‌گیر باشد، در این صورت تخلیه روانی انجام نمی‌شود بلکه مشکل نوجوان بیشتر می‌شود، چون وقتی هیجآن‏های نوجوان به صورت صحیح مدیریت نشود و راهنمایی نشود، به تدریج تبدیل به عقده می‌گردد که عواقب خطرناکی در پی دارد.

البته سخت‌گیری در برخی موارد با روش‌های معقول لازم است، هرکس نمی‌تواند به گونه‌ی زندگی کند که با تنش هیجانی مواجه نشود. فرد واقع‌بین یاد می‌گیرد تا در مواجه با مشکلات زندگی، واقع گرا بوده و در برابر ناملایمات زندگی صبور باشد و بداند در مواقع خاص او هم حق دارد عصبانی شود یا بترسد بدون این‌که احساس گناه یا شرمساری کند.

بنا به گفته هلیگارد، اگر به فردی ضربه عاطفی وارد شود و او در مقابل این تنش هیجانی، صبر پیشه کند با آرامش و به دور از اضطراب، بین بروز حالت هیجانی و کنترل آن تعادل بر قرار کند از آرامش روان برخوردار است. او این مشکلات و ضربه‌‌های هیجانی را عادی تلقی می‌کند و رفتار متناسب با عرف جامعه از خود بروز می‌دهد (الیزابت بی، هارلوک، ترجمه؛ پرویز شریفی، 1394، ص 253).

پدر و مادری که از کودک و به‌خصوص از نوجوان فاصله دارند و ارتباط عاطفی و رفاقت با نوجوان برقرار نکنند، در کار تربیت و شکل‌گیری شخصیت به‌صورت مطلوب موفق نمی‌شوند، چون نوجوان وقتی که می‌بیند پدر و مادر و یا هر دو به شخصیت او احترام نمی‌گذارند و با او محبت نمی‌کنند و مشورت نمی‌کنند و با او هم‌صحبت نمی‌شوند و از مشکلات او نمی‌پرسند و نیازهای ضروری او را برطرف نمی‌کنند و گاهی با او شوخی و خنده ندارند، نا امید می‌شود، احساس تنهایی می‌کند، افسرده می‌شود، گاهی در بیرون به دنبال محبت دیگران می‌رود و در نتیجه تخلیه روانی و تخلیله هیجانی انجام نمی‌شود و عقده ایجاد می‌گردد و در نتیجه مشکل روحی و روانی او بیشتر می‌شود.

هلیگارد روان‌شناس شخصیت می‌گوید: تخلیه هیجانی به‌طور مستقیم و غیر‌مستقیم باعث تنظیم تعادل حیاتی می‌شود. تأثیرات مستقیم تخلیه هیجانی باعث آزاد شدن هیجآن‏های سرکوب شده فرد می‌شود و تعادل فیزیکی و روانی فرد تنظیم می‌شود. به علت تنظیم تعادل حیاتی، وضعیت روانی فرد متعادل شده و در نتیجه دید او نسبت به خودش و مشکلاتش واقع بینانه‌تر خواهد بود. شخصیت فرد به‌طور غیر‎مستقیم تحت تأثیر تخلیه هیجانی است. یعنی فرد طوری رفتار می‌کند که رفتار شایسته‌ی از سوی افراد جامعه متوجه او می‌شود. با تخلیه هیجانی که شامل تخلیه فیزیکی و روانی است، به‌طور غیر‌مستقیم سلامت شخصیت فرد حفظ می‌شود و فردی که از شخصیت سالم برخوردار است، رفتار اجتماعی درستی هم خواهد داشت (همان).

# بخش سوم : رشد اجتماعی در دوره کودکی و نوجوانی

الف : رشد اجتماعی در دوره کودکی

رشد هیجانی و اجتماعی کودکان 6 سال به بالا بستگی به نوع و سبک تربیتی خانواده دارد. یکی از شیوه‌‌های تربیتی در راستای اجتماعی شدن کودکان، وضع قوانین خانوادگی است که باید همه رعایت کنند، اما کودکان علاوه بر رعایت قوانین و تشویق آن‏ها بر رعایت قوانین خانوادگی، باید پدر و مادر علت و فواید و چرایی آن قوانین را نیز برای کودکان توضیح دهند، چون کودکان تا علت رعایت قوانین را ندانند دچار مشکل می‌شوند و سؤال‌شان این است که چرا باید قوانین در خانه رعایت شود و اگر رعایت نشود چه مشکلی پیش می‌آید.

روان‏‌شناسان قوانین خانوادگی را بسیار مهم می‌دانند. کودکان باید رعایت قوانین در خانه را یاد بگیرند تا کم‌کم زمینه اجتماعی شدن‏‏شان فراهم شود تا این که در مدرسه و جامعه نیز قوانین را رعایت کنند. روان‌‌شناسان می‌گویند: قوانین خانوادگی باید برای کودکان واضح و روشن باشد و مشخص شود به نحوی که آن‏ها به رهنمودها و مرزها پی ببرند. به عبارت دیگر، کودکان بدون درک علت آن قوانین دچار مشکل می‌شوند (ماریانا کتی، ترجمه: مژگان حیاتی، 1393، ص 61).

# 1.گروه‏های هم‏سالان، کودکان 7 تا11سال

در این دوره میل کودکان به گروه هم‏سالان به شدت افزایش می‌یابد. آن‏ها زمانی که از هم‏سالان خود دور هستند، احساس دل‏تنگی می‌کنند و زمانی که با آن‏ها هستند به شور و شعف می‌آیند.

طبق اظهار نظر روان‌شناسان رشد، در سرتاسر دوره کودکی دوّم، میل به ارتباط با گروه هم‌سالان، به‌طور فزاینده‌‌ای وجود دارد و این نیاز به‌طور یک‏سان در دختران و پسران دیده می‌شود (سوسن سیف و دیگران، 1383. ص 273).

# 1-1 دوستی در دوران کودکی

دوستی‌های کودکان در این دوره عبارت‏اند از:

الف) هم‌بازی بودن؛ از مهم‏ترین انگیزه‌های دوستی کودکان در این دوره، هم‌بازی بودن آنان با یک‏دیگر است. هم‌بازی بیش‏تر از جنس و سن او برای کودکان مهم است. کودکان به ویژه پسران ترجیح می‌دهند که هم‏بازی‌های آن‏ها از جنس خودشان باشند (همان، ص276).

ب) رفیق بودن؛ در این دوره معنای رفیق از معنای هم‏بازی عمیق‌تر و گسترده‌تر است. کودک علاوه بر هم‌بازی داشتن، انتظارات دیگری نیز از رفیق دارد. با او تبادل نظر می‌کند و به رازگویی و درد دل می‌پردازد و ارتباط بیش‏تری برقرار می‌کند. عوامل متعددی در انتخاب رفیق و هم‌بازی در این دوره اثر می‌گذارد، به‌طور کلی کودکان در این دوره هم‌بازی و رفقای خود را از بین کسانی انتخاب می‌کنند که با آن‏ها هم‌جنس هستند و از یک سطح رشد برخوردارند و علایق و ارزش‌های مشابه دارند (همان، ص277).

# 1-2. روابط خانوادگی

در این دوره، در ارتباط کودک با والدین و سایر اعضای خانواده، تحول و تغییراتی به‌وجود می‌آید. روان‏شناسان معتقدند در تغییر روابط خانوادگی در این دوره، عوامل متعددی را می‌توان مؤثر دانست که مهم‌ترین این عوامل عبارتند از: بالا رفتن انتظارات والدین و تغییر نگرش‌ کودکان نسبت به والدین. کودک قبل از 7 سالگی، والدین خود را یگانه الگوی مورد پذیرش قرار داده بود ولی در این دوره با مطالعه کتب و تماشای فیلم‏‌های تلویزیون و ارتباط گسترده با هم‏سالان و والدین آن‏ها مفاهیم مطلوبی از پدر و مادر در ذهن خود می‌سازد (همان، ص279).

به‌طور کلی رفتار کودکان و فعالیت آن‏ها در مدرسه، در جامعه و در ارتباط با هم‏سالان و دیگران و میزان توفیقات کودکان بستگی به ارتباط خانوادگی آن‏ها دارد. والدین شاد و پرحرف، تأثیر مثبت بر روحیه کودکان خود می‌گذارند و باعث می‌شوند کودکان و فرزندان‌شان در مدرسه شاد و فعال باشند و والدین کم حرف و افسرده و عقده‏‌ای تأثیر منفی بر کودکان خود می‌گذارند، به‌خصوص اگر مشاجره و جنگ و دعوا در خانه در حضور کودکان زیاد باشد. کودکان چنین خانواده ‌هایی، کمرو و خجالتی بار می‌آیند و گاهی دیده می‌شود در مدرسه یا در اجتماع منزوی هستند و چندان به بازی با هم‏سالان علاقه ندارند و بعضی از این کودکان در تحصیل نیز موفق نیستند چون توفیقات در تحصیل و درس، بدون شادی و نشاط امکان‏پذیر نمی‌باشد‌. کودکان شاد و با انرژی و فعالی که از خانواده سالم و شاد انرژی می‌گیرند، می‌توانند در مدرسه فعال و موفق باشند. در بازی‌ها شرکت می‌کنند و درس را با حواس جمع و با تمام توان هوشی گوش می‌دهند و یاد می‌گیرند چون آرامش دارند و در خانواده محبت می‌بینند و از محبت والدین و از تشویقات و عواطف والدین عاقل سیراب می‌شوند.

روان‏شناسان در این زمینه می‌گویند: نحوه کار کردن در محیط مدرسه تا اندازه زیادی به روابط خانوادگی کودکان مربوط می‌شود. روابط خانوادگی شاد و صمیمانه، کودک را در انجام دادن کارها با موفقیت بیشتری روبرو می‌سازد و انگیزه‌ هر کاری را در او تقویت می‌کند. در حالی‌که در روابط خانوادگی سرد و غیر‌صمیمانه، دلیل مهمی برای تنش‌های عاطفی در کودک است و اثر تعیین کننده‌‌ای بر توانایی‌های کودک در تمرکز و یادگیری می‌گذارد. روابط خانوادگی اثر مستقیمی بر سازگاری اجتماعی کودکان در محیط بیرون از خانه می‌گذارد و زمانی که این روابط مناسب و مطلوب باشد، سازگاری اجتماعی کودکان با افراد بیرون از خانه بهتر است (سوسن سیف و دیگران، 1383. ص 280).

ایفای نقش در خانواده، الگوی خوبی برای تنظیم و به عهده گرفتن نقش در محیط خارج از خانه است. نوع روابطی که کودک با خواهران و برادران خود دارد، اساس و پایه روابط آن‏ها را با هم‌سالان‌شان در بیرون از خانه شکل می‌دهد. خلاقیت و ابتکار یا دنباله روی و عدم خلاقیت کودکان، تا حدود زیادی تحت تأثیر روابط خانوادگی آن‏هاست. شیوه تربیت کودک در محیط خانه در ایفای نقش کودکان در این دوره اثر مستقیمی بر جای می‌گذارد (همان).

**ب : عوامل مؤثر در رشد و تکامل اجتماعی نوجوان**

اجتماعی شدن برای انسان ضروری است چون انسان فاقد غرایزی است که رفتارهای خاصی را برای موقعیت‌‌های ویژه‌‌ای مشخص می‌کند. فرایند اجتماعی شدن نوجوانان از طریق تأثیر والدین، رسانه‏‌های گروهی، هم‏سالان، مدرسه و مذهب صورت می‌گیرد. اجتماعی شدن یک فرایند همیشگی است اما در دوران کودکی و نوجوانی به علت انعطاف‏پذیری نسبی در رشد، اهمیت ویژه‌ای دارد در این‌ جا به دو مورد از عوامل موثر بر رشد و تکامل اجتماعی نوجوانان اشاره می‌شود.

**1. والدین**

نوجوانان نیاز دارند از نظر عاطفی و مالی مستقل از والدین باشند و به یک هویت مستقل دست یابند و ارزش‌‌های خود را حاکم سازند. تعارض میان نوجوان و والدین شروع می‌شود اما این تعارض‌ها یا تضاد‌ها بین افرادی پدیدار می‌شود که سابقه طولانی از کشمکش با هم داشته باشند. در بیشتر موارد وجود پیوندهای عاطفی صمیمانه، تعارض‌ها را تحت کنترل درآورده و موجب برقراری احساسات مثبت می‌شود (اسماعیل بیابانگرد، 1376، ص 93).

البته اختلاف بین نوجوان و والدین بستگی به روش‌های تربیتی و شیوه فرزندپروری والدین و مسائل عاطفی و اقتصادی در خانواده دارد. اگر والدین روش‌های تربیتی و شیوه‏های فرزندپروری را بدانند و آگاهی از راه‏کارهای تربیتی داشته باشند، بدون تردید اختلاف با کودکان و نوجوانان به حداقل می‌رسد و یا به‌طور کلی می‌توانیم بگوییم اختلافی وجود نخواهد داشت چون بعضی اختلافات جزئی، طبیعی است و مربوط به سلائق افراد می‌شود. در صورتی که والدین، شیوه‏‌های تربیتی را بدانند و خودشان هم عمل کنند، اختلافی که تبدیل به بحران شود و بین والدین و نوجوان فاصله ایجاد کند، هرگز پیش نمی‌آید. چون زمینه‌های فاصله و اختلاف، عدم آگاهی والدین از روش‌های تربیتی و کمبود محبت و عاطفه است. اگر والدین هم از روش‌های تربیتی نسبتاً آگاهی داشته باشند و رعایت کنند و هم خودشان در بین خود محبت و عاطفه داشته باشند و از مشاجره‌های لفظی و جنگ و دعوای زن و شوهری پرهیز کنند، می‌توانند با نوجوان خود منطقی و با محبت باشند و توجه جدی به درس و مدرسه و برنامه‌های تربیتی نوجوان داشته باشند.

از نظر روان‏‌شناسان پدر و مادر اولین کسانی هستند که بنیاد شخصیت سالم نوجوان را می‌گذارند. معمولاً والدین، نوجوانان خود را به صورت کودک می‌نگرند. درک نکردن نوجوانان باعث کشمکش بین آنان و والدین می‌شود. نوجوانان به خود حق می‌دهند که در مسائل مربوط به خانواده اظهار نظر کنند و افکار و عقاید و اعمال اعضای خانواده خود را مورد سؤال قرار دهند. نوجوان در مقابل تحکم و دستورات والدین مقاومت می‌کند. یک نوجوان در خاطرات خود می‌نویسد، دوست ندارم که به من دستور بدهند، مخصوصاً اگر این دستور آمرانه باشد، اگر دستور دهنده مادرم باشد گوش نمی‌دهم، وقتی دستور دهنده برادر بزرگم باشد ناچارم که اجرا کنم وگرنه کشیده‌ ای خواهم خورد (احمد احمدی، 1382، ص 45).

حدود 80 درصد از نوجوانان کارگر در نمونه‏ای در اصفهان، ابراز داشته‌اند که پدر و مادر خود را دوست دارند ولی متأسفانه از جانب والدین خود مورد بی‏مهری قرار می‌گیرند و والدین آنان را درک نمی‌کنند. همین درک نکردن باعث مخالفت آنان با والدین خود می‌شود. نوجوانانی که والدین خود را دوست می‌داشتند، در مقابل دستور والدین57 درصد از نوجوانان دانش آموز و 85 درصد از نوجوانان کارگر از روی میل اطاعت می‌کردند و 31 درصد از نوجوانان دانش آموز و 10 درصد از نوجوانان کارگر دستورات والدین را با بی‌میلی انجام می‌دادند (همان، ص46).

**2. مشاوره خانوادگی**

خانواده‌هایی که از شیوه تربیتی و اخلاقی نوجوانان آگاهی کافی و لازم ندارند، مشاوره یکی از راه‌‌هایی است که می‌توان مشکلات خانوادگی آن‏ها را حل کرد و یا به حداقل رساند.

اکثر روان‌شناسان معتقدند دوران کودکی و نوجوانی، مهم‏ترین زمان شکل‌گیری شخصیت است. از حجم ذخیره‌های موروثی خانوادگی گذشته، سال‏های عمر که در اختیار خانواده است منشأ بروز بسیاری از عادت‌ها و خصوصیات اکتسابی می‏باشد که ممکن است سعادت و عزت همه‌ي عمر یک فرد را تضمین کنند یا نکبت و مذلّت بار آورند. تأثیرپذیری انسان در دوران کودکی بیش از دیگر مراحل زندگی است. به این سبب در مجموعه عوامل سازنده شخصیت‌ها نقش خانواده مهم و قابل توجه جلوه می‌کند. خانواده به نخستین و مناسب‌ترین مرحله نقش‏پذیری کودک و نوجوان دسترسی دارد. شخصیت کودک و نوجوان در مراحل اولیه رشد، هنوز شكل نگرفته و آماده قبول است. مقلد و مطیع است و آن‌چنان مقاوم و سخت‌گیر نیست. از آلودگی‌ها و مکتبات محیطی نسبتاً مبرا است و به تجربه و آموختن نیاز دارد، دیگران را معمولاً برتر از خود می‌بیند و می‌پندارد و در اکثر زمینه‌های خلق و رفتار هنوز اسیر عادت نیست. مستعدّ فراگیری و چون ظرف تهی است که آن را با هر مظروفی می‌توان پر کرد (محمد طاهر معیری، 1378؛ ص 99).

این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که در مجموعه مسئولیت‌های خانواده، تربیت فرزند از همه مهم‏تر و شامل دگرگونی‌های نخستینی است که خمیر مایه شخصیت فرزندان را تشکیل می‌دهد. بخش قابل توجهی از تربیت هر فرد در نقش‏پذیری دوران کودکی وی نهفته است و این به اهمیت نقش خانواده در مسأله تربیت باز می‌گردد، به همین دلیل است که برداشت عمومی جامعه (خوب و بد) هر فرد را در تربیت خانوادگی جستجو می‌کند (همان).

**3. هم‌سالان و دوستان**

یکی دیگر از عوامل بسیار مؤثر در رشد و تکامل نوجوان، دوستان و هم‌سالان اوست که افکار و رفتارشان بر هم‏دیگر تأثیر می‌گذارد. این تاثیر آن‌ قدر جدی و قوی است که در دین مقدس اسلام بر انتخاب دوست و رفیق تأکید شده است که والدین سعی کنند و مراقب باشند که با چه خانواده‌هایی ارتباط دارند. خانواده‏هایی که قیدوبند دینی و مذهبی ندارند، تربیت نوجوانان شما را به خطر می‌اندازند. یعنی نوجوانان از آن‏ها یاد می‌گیرند، بی‏بند و باری و بزه‏کاری را و همین‌طور در دین مبین اسلام تأکید شده است که نوجوانان دوستان خوب و مذهبی انتخاب کنند. قال رسول‌الله (ص) «المرءُ علی دین خلیله و قرینه» (محمد بن حسن حرعاملی، 1409ق. ص 207).

رسول خدا (ص) فرمودند: «روش آدمی بر طريق مذهب و سیره دوست صمیمی و رفیق دل‏بندش خواهد بود» و در جای دیگر می‌فرماید: «المرءُ علی دین خلیلهِ فلینظر أحدُکُم من یُخالل» (محمد بن حسن طوسی، ترجمه: حسن زاده، 1388، ص 518).

رسول گرامی اسلام فرمود: آدمی بر آیین دوست خود است، پس بنگرید با که دوستی می‌کنید. طبق فرمایش رسول اکرم (ص) انسان بر دین و روش دوستان خود مشی می‌کند، یعنی اعتقاد و رفتار و افکار دوستان بر هم‏دیگر به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد. در آیات و روایات فراوان از ارتباط و دوستی با افراد بزه‏کار و ناباب نهی شده است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِياءَ تُلْقُونَ إِلَيهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ» ( ممتحنه، آیه 1) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید، شما به آنان اظهار محبت می‌کنید در حالی که آن‏ها به آن‌چه از حق برای شما آمده است کافر شده‌اند).

روان‏شناسان نیز تأکید بر انتخاب دوست خوب و مثبت دارند که بر رشد و تکامل شخصیت نوجوان تأثیر می‌گذارد. ارتباط با دوستان خوب و مثبت باعث می‌شود شخصیت نوجوان به صورت مثبت شکل بگیرد و شاکله‌ی او به صورت مطلوب ساخته شود.

یکی از نیازهای اساسی برای اجتماعی شدن نوجوانان، رشد مهارت‏‌های اجتماعی است که رشد همه جانبه شخصیت است.

بر اساس نظر روان‌‏شناسان تربیتی، رشد مهارت‌های اجتماعی یکی از لوازم‌ رشد همه جانبه‏ی شخصیت است. در رشد اجتماعی نوجوان سه گروه تأثیر دارند: 1- اشخاص صاحب قدرت و ذی نفوذی که قواعد و رسومی را به نوجوان تحمیل می‌کنند و اگر نوجوان به این قواعد و رسوم گردن نهاد به او پاداش می‌دهند. 2- اشخاصی که سرمشق رفتار و کردار نوجوان واقع می‌شوند و او می‌تواند از رفتار آنان تبعیت کند. 3- مصاحبانی که واکنش مساعد یا نامساعدشان در حکم پاداش و کیفر برای نوجوان است (ل، ج، کرانباخ، 1351، ص 139).

دوستی‌ها در دوران بلوغ و نوجوانی، باعث تجاربی می‌شود که در توسعه شخصیت نوجوان نقش مهمی دارد. این تجارب باعث دوستی‌های عاقلانه‌تری در دوران کمال و بزرگ‌سالی می‌گردد. دوستی‌هایی که بر اساس علاقه و اعتماد متقابل استوار باشد، اولین احساس نوع دوستی را در نوجوان ایجاد می‌کند (موریس دبس،1335. ص 57).

همان‌طور که اشاره شد اگر والدین، با محبت و عواطف و احترام با نوجوانان خود در تعامل نباشند و شخصیت آن‏ها را تحقیر و خرد کنند، دیگر نوجوانان به والدین اعتماد نخواهند کرد. وقتی اعتماد و رفاقت و صمیمیت در بین والدین و نوجوان وجود نداشته باشد راه‏کارهای تربیتی اجرایی نمی‌گردد و مخالفت نوجوان با والدین بیشتر خواهد شد. در این صورت نوجوان از خانه و خانواده بیزار می‌شود و به دوستان و هم‌سالان خود پناه می‌برد.

اگر دوستان و هم‌سالان او مناسب و سالم باشند تا حدودی از آسیب‌ها در امان است. اگر برخی از دوستان و هم‌سالان او ناباب و بزه‏کار باشند، به احتمال قوی بزه‏کار می‌شود. به دلیل این‌که در خانه رفاقت و صمیمیت و محبت نمی‌بیند آن‌گاه باید تخلیه روانی شود و انرژی‌های اضافی را مصرف کند. باید دست به کارهایی بزند ولو خلاف و بزه‏ باشد. اما اگر والدین راهنمای مهربان و خوبی برای نوجوان باشند، تخلیه روانی و انرژی‌های نوجوان در راه مثبت و برنامه‌‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، علمی، معنوی و ارزش‌ها انجام و مصرف خواهد شد.

برای پیش‏گیری از هراس اجتماعی و تقویت اعتماد به نفس در نوجوانان آموزش‌ مهارت‌های اجتماعی برای نوجوانان بسیار لازم و کاربردی است. روان‌شناسان اجتماعی می‌گویند: از آن‌جا که روابط هم‌سالان در دوره نوجوانی بسیار حیاتی است، افراد در این دوره از خانواده فاصله می‌گیرند و احتمال بسیار وجود دارد که در این هنگام،‌ هراس اجتماعی کاملاً ترسناک شود و شخص برای محافظت خود از تحقیر و ناراحتی، کاملاً از آن‏ها دوری می‌گزیند. نوجوان تنها و ترسو ممکن است به این نتیجه برسد که زندگی نومید کننده است. این احساس نومیدی گاهی ممکن است به خودکشی بیانجامد. برخی از ویژگی‌های افراد دارای مهارت‌های اجتماعی خوب، به طور خاص در تحقیقات شناسایی شده‌اند. مثلاً یک نوجوان دارای مهارت اجتماعی، صمیمی و دارای حرمت نفس بالاست. به ندرت با عصبانیت واکنش نشان می‌دهد و به راحتی با دیگران سخن می‌گوید. در مقابل فرد بدون مهارت اجتماعی، خجالتی، دارای حرمت نفس پایین و هنگام برخورد با غریبه کمروست (مسعود آذربایجانی و دیگران، 1387. ص 287 و 288).

پژوهش‏گران دریافتند دانشجویانی که در روابط اجتماعی موفق بوده‌اند، وظایف بین فردی را متفاوت از کسانی که ناکام بوده‌اند ادراک می‌کنند. هماهنگ با تحقیقات دیگر در گروه دانشجویان هم‏چنین از راهبردهای متفاوتی در تعامل با دیگران استفاده می‌کردند. به ویژه دانشجویان فاقد مهارت‌های اجتماعی، موقعیت اجتماعی را به صورت منفی ارزیابی می‌کردند و همراه با اضطراب اجتماعی به آن واکنش نشان می‌دادند (همان).

# نقش خانواده در فرایند اجتماعی شدن

خانواده یک واحد اجتماعی است که بیش‏ترین تأثیر بر رشد فردی و اجتماعی افراد دارد. والدین از طریق ارائه الگوها، ملاک‏ها، معیارها و پاداش‌ها در رشد شناختی و مفهوم خود، کسب هویت و همانندسازی جنسی نقش دارند. اما نقش خانواده در سال‌های اول زندگی یعنی در دوران کودکی اول و دوم از نقش رسانه‌های گروهی و شبکه‏‌های اجتماعی و هم‌سالان و مدارس بیشتر است. ولی به نظر می‌رسد که در دوره نوجوانی نقش محوری خانواده در رشد فردی و اجتماعی به‌خصوص در اجتماعی شدن کم‏تر می‌شود. زیرا نوجوان با عوامل متعددی برخورد می‌کند. در عصر حاضر که اطلاعات و اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در حال ارتقاء و افزایش است و نقش تربیتی خانواده را تحت الشعاع خود قرار داده و توجه نوجوان بیشتر به گوشی و اینترنت و فیس‏بوک و تلگرام و سایر شبکه‎‏های اجتماعی متمرکز می‌شود، دیگر حوصله این را ندارد که در کنار پدر و مادر بنشیند و سخنان آن‏ها را گوش دهد و به اجرا در آورد. از صبح تا شب باران واژه، انواع و اقسام مطالب از طریق فیس‏بوک و تلگرام و سایر شبکه‌ها، نه فقط مطالب و واژه‏‌های مثبت و منفی، بلکه با تصویر و یا همراه تصویر در موضوعات مختلف می‌بارد. گذشته از مطالب مذهبی و علمی و مفید، متأسفانه مطالب و محتوای مضر و منفی و غیراخلاقی زیادی هم وجود دارد که بدون تردید، تربیت نوجوانان و خانواده‏‌ها را تهدید می‌کند.

اگر والدین می‌خواهند در تربیت نوجوان موفق باشند، باید با نوجوان خود هم‌دل و هم‌درد باشند و با نوجوانان خود روش رفاقت و صمیمیت و صداقت را در پیش بگیرند تا آن‌‏ها جذب شوند. پدر و مادر برای نوجوان باید محبوب، مهم و تگیه‌گاه قابل اعتمادی باشد که هیچ کسی مثل آن‏‌ها پیدا نشود، در این صورت نوجوان به سخنان والدین گوش جان می‌سپارد. چون والدین را کانون محبت و مهربانی و هم‌دردی تصور می‌کند. والدین باید از تمسخر و تحقیر و بی‌ احترامی نوجوان به شدت پرهیز کنند. اگر هم گاهی تنبیه لازم باشد با استدلال و منطق و رعایت احترام و ادب سخن بگوید. با رعایت ادب داد بزند، سخن کنایه و تحقیر کننده نگوید تا نوجوان احساس امنیت کند و بداند که تحقیر نمی‌شود و احساس کند شخصیت او خرد نمی‌شود. به طور کلی ارتباط دوستانه با حفظ احترام نوجوان یکی از مهم‌ترین ابزار و روش‏های تربیتی است که والدین باید رعایت کنند.

به عقیده روان‏شناسان، یکی از مهم‌ترین عامل مؤثر در بزه‏کاری، روش تربیتی نارسا یا اختلال در شبکه ارتباطی خانواده می‌باشد. تقریباً تمام پژوهش‌ها نشان داده‌اند والدینی که با کودکان خود مهربان نیستند یا آن‏هایی که از نظر روانی یا فیزیکی از فرزندان خود سوء استفاده می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که فرزندان بزه‏کار داشته باشند (اسماعیل بیابانگرد، روان‌شناسي نوجوان، ص280).

همان‌طور که اشاره شد اگر کودک و نوجوان بیش از حد معمول تحقیر شود و محبت نبیند، احساس می‌کند کسی او را را دوست ندارد و خود را بی‌ارزش تلقی می‌کند، آن وقت برای انتقام از والدین و جامعه دست به کارهای خلاف می‌زند و بزه‏کار می‌شود و راه انحراف را در پیش می‌گیرد.

روان‏شناسان می‌گویند: نوجوانان بزه‏کار احساس می‌کنند که کسی آن‏ها را دوست ندارد و خود را بی‌ارزش می‌دانند. عشق ورزیدن و محبت کردن به این کودکان و نوجوانان از نیازهای ضروری آنان در پیش‏گیری از بزه‏کاری می‌باشد، لذا باید علّت آن را شناخت و از بین برد. کسب یک هویت موفق به وسیله نوجوان که به دنبال چشیدن طعم موفقیت ایجاد می‌شود، به نوجوان احساس ارزش‏مندی می‌دهد. یکی از عوامل باز دارنده بزه‏کاری، اخلاق است. اگر نوجوان ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای اخلاقی را خوب درک کند به بزه‏کاری گرایش پیدا نمی‌کند. پس لازم است که پدر و مادر به مسائل اخلاقی اهمیت دهند. والدین باید مسائل اخلاقی را در رفتارشان نمایان سازند تا کودک و نوجوان به طور غیرمستقیم از رفتار آنان نکات اخلاقی را یاد بگیرند. والدین باید به نوجوانان خود قضاوت اخلاقی در مورد رفتارها را آموزش دهند و خود نیز به آن عمل کنند (همان، ص284).

روان‏شناسان، والدین مسئولیت‏پذیر و کسانی را که در فکر تربیت فرزندان‌شان هستند به چند نکته توصیه می‌کنند:

1. با کودک و نوجوان ارتباط گرم و عاطفی برقرار کنند.
2. برای نوجوان ارزش قائل شوند و از به کار بردن صفاتی که بی‌ ارزشی را القاء می‌کند، پرهیز کنند.
3. در حل مسائل به جای پرخاش‏گری، برخورد منطقی داشته باشند تا برای نوجوانان الگو شود.
4. نوجوان را از توجه به لذّات زود گذر منع کنند و نظر آنان را به لذّات دراز مدت و منطقی جلب کنند.
5. زمینه استفاده از تفریحات سالم و ورزش‌های مناسب را برای فرزندان خود فراهم کنند.
6. از تنبیه نوجوانان پرهیز کنند و از پاداش‏های مناسب در مقابل رفتارهای مطلوب استفاده نمایند.
7. از تماشای فیلم‌های غیراخلاقی توسط کودکان و نوجوانان جلوگیری به عمل آورند (همان، ص285).

# بخش چهارم: رفتار اجتماعی در نوجوانی

رفتار نوجوان با رفتار دوران کودکی متفاوت است. والدین متوجه می‌شوند که فرزند آن‏ها دیگر آن پسر بچه یا دختر بچه قبل نیست. جسور و گاهی عصیان‌گر، زرنگ و منطقی شده است. دنیای تفکر نوجوانان متحول می‌شود و ادراک او از موقعیت تغییر می‌یابد. او عقاید شخصی خود را بیش از پیش محکم‏تر و روشن‌تر بیان می‌کند. نوجوان مخصوصاً محکم‏ترین عقیده خود را هر روز با دوستانش در میان می‌گذارد و برای تأیید آن دلیل می‌آورد (جیمز ونَدِر زَندِن، ترجمه: حمزه گنجی، 1385، ص 198).

# 1. احساس هویت

نوجوانان سعی می‌کنند خود و هویت خود را نشان دهند. به همین دلیل خُلق نوجوانان نوسان دارد. روان‌شناسان رشد معتقدند که جستجوی هویت به دلایل مختلف سرنوشت‌ساز است. تغییرات جسمی سریعی را تحمل می‌کند و شیوه تفکر او دگرگون می‌شود. او باید درباره ادامه یا ترک تحصیل تصمیم بگیرد و بر حسب مورد شغلی را به دست ‌آورده یا دوره‌ای را ببیند (همان).

**هویت چیست؟**

 اریک اریکسون فردی که در دانش ما از مفهوم هویت نقش به‌سزایی دارد، هویت را به صورت یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف می‌کند. یعنی علی‌رغم تغییر رفتارها، افکار و احساسات، برداشت یک فرد از خود همواره مشابه است. علاوه بر این او می‌گوید: این احساس که ما چه کسی هستیم باید با نگرشی که دیگران نسبت به ما دارند نسبتاً هم‌خوان باشد. این مسأله بر اعتقاد اریکسون در اهمیت رابطه بین خود و جامعه تأکید دارد(اسماعیل بیابانگرد، 1376، ص 124).

کارول گاردو و جانیس بوهن، خاطر نشان می‌سازند که حداقل چهار مسأله اساسی در احساس فردی هویت وجود دارد:

1. انسانیت، این احساس که فرد یک موجود انسانی است.
2. جنسیت، احساس فرد از مردانگی و زنانگی است.
3. فردیت، این شناخت که فردی خاص و بی‌نظیر است.
4. پایداری، این آگاهی که فرد همان شخصی است که روز قبل بوده است. از این رو رشد احساس هویت مستلزم این است که یک فرد دریابد که او دارای هویت بی‌نظیر و واحدی است. زن و یا مردی است جدای از دیگران و به‌طور کلی شبیه هیچ فردی دیگری نیست(همان).

# 2. راه حل بحران هویت

طبق نظریه اریکسون، بحرانی را که نوجوانان با آن مواجه می‌شوند، هویت در مقابل سرگردانی از نظر او نقش اجتماعی نام دارد. سرگردانی در هویت و نقش اجتماعی، اغلب به این صورت تجربه می‌گردد که نوجوان نمی‌داند کیست و چه نقشی در اجتماع دارد. برای چه به دنیا آمده است، به کجا خواهد رفت و چه کاره خواهد شد. با این توصیف، باید در نظر داشت که حل بحران هویت دارای طیفی است که در یک سوی آن کسب هویت و در سوی دیگر آن سرگردانی و بلاتکلیفی است (همان ص126).

مارسیا می‌گوید: بدیهی است که اگر تکلیف مرتبط با رشد، نظیر کسب هویت در نوجوانی با موفقیت انجام شود ایفای نقش‌های بزرگسالان آسان‌تر است. با این حال هیچ قانون روان‌ شناختی وجود ندارد که اگر این تکلیف تا سن خاصّی انجام نشود، هرگز با موفقیت انجام نخواهند شد. به نظر می‌رسد افرادی که نوجوانی را پشت سر گذاشته‌اند باز هم می‌توانند تجاربی را انتخاب کنند که رشد آن‏ها را در زمینه‌هایی که نیاز به صلاحیت بیشتری است را فراهم سازد. روان درمانی نیز می‌تواند این فرصت را فراهم سازد. امکان توانایی بالقوه برای رشد ظاهراً همیشه وجود دارد گرچه گاهی اوقات مشکل است و افراد ممکن است از مزایای آن بی‌بهره بمانند (همان).

از نظر مارسیا، یکی از عواملی که به رفع بحران هویت در جامعه کمک می‌کند حاکمیت مذهب است. او می‌گوید مذهب به تمام سؤالات پاسخ می‌گوید. آن‌چه مطالعات مختلف نشان داده است این است که حاکمیت مذهب در جامعه به رفع بحران هویت کمک می‌کند و در جوامعی که مذهب وجود ندارد نوجوانان بحران شدیدتری را تجربه می‌کنند چرا که مذهب به مهم‌ترین سؤالات نوجوانان یعنی از کجا آمده‌ام؟ چه کسی هستم؟ به کجا خواهم رفت؟ و چه کار باید بکنم؟ پاسخ می‌دهد (همان ص126).

# جمع بندی و نتیجه‌گیری

نقش خانواده در بعد رفتار فردی و اجتماعی شخصیت کودک و نوجوان که شامل شخصیت سالم، عوامل مؤثر در رشد شخصیت، رشد اجتماعی در دوره‏ی کودکی، رفتار اجتماعی در دوره‏ی نوجوانی و عوامل مؤثر در رشد و تکامل نوجوانان می‌شود نقش سرنوشت‏سازی خواهد بود.

ارتباط متقابل شخصیت سالم با عوامل رشد شخصیت این است که اگر خود عوامل سالم باشند و طبق ملاک و معیار در جریان باشند، شخصیت کودک و نوجوان با تأثیر از این عوامل به‌صورت سالم شکل‌ می‌گیرد و رشد می‌کند. یا به تعبیر دیگر ارتباط متقابل کودک و نوجوان با عوامل رشد شخصیت، در این است که اگر عوامل سالم باشند و جامعه یک جامعه‌ سالمی باشد، بر رفتار و گفتار و شکل‌گیری رفتاری شخصیت کودک و نوجوان تأثیر مثبت می‌گذارند و اگر سالم نباشند، تأثیر منفی خواهد گذاشت.

در نتیجه سلامت اخلاقی، روحی و روانی خانواده و سالم بودن سایر عوامل، در شکل‌گیری شخصیت، رفتار و تربیت مطلوب و رفتار فردی و اجتماعی کودک و نوجوان تأثیر خوب و مثبت می‌گذارند. اگر غیر از این باشد نتیجه تابع عوامل موجود خواهد شد.

# فهرست منابع

1. قرآن کريم.
2. آذربایجانی،مسعود و دیگران،روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی،تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی،دانشگاه‌ها(سمت) قم:پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1387.
3. احمدی، احمد،روان‌شناسی نوجوانان و جوانان،اصفهان: انتشارات مشعل، 1382.
4. الموسوی الخمینی،روح الله(ره)تحریر الوسیله،الجزء الثانی،چاپ سوم، 1408 هجری قمری،قم:مؤسسه اسماعلیان.
5. الیزابت بی،هارلوک،ترجمه؛ پرویز شریفی، درآمدی بر روان‌شناسی شخصیت،با تأکید بر تحلیل عوامل مؤثر بر رشد شخصیت، تهران: آوای نور، 1394.
6. اولین جلسه آموزشی خانواده،با موضوع تحولات زیستی- روانی- اجتماعی نوجوانان،تهیه و تنظیم: سبحانی فرد،مجتمع آموزش غیر دولتی نور ایمان،سال تحصیلی 92- 91.
7. بیابانگرد،اسماعیل،روان شناسی نوجوانان،تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1376.
8. حرعاملی،محمد بن حسن،وسائل الشیعه،ج 4، قم: مؤسسه آل البیت، 1409 ق.
9. حیدری،اکرم(گیتی)،روان شناسی رشد و اختلالات روانی رایج در کودکان، ناشر: مؤلّف، 1372.
10. دبس،موریس،چه می‌دانم، بلوغ، ترجمه:حسن صفاری،مؤسسه مطبوعاتی علمی، 1335.
11. دهخدا،علی اکبر،لغت نامه دهخدا،مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1377.
12. رالف موس،نظریه‌های بنیادی درباره نوجوانی،ترجمه صدیقی و همکاران،تهران:انتشارات عطایی،1375.
13. سوسن سیف و دیگران،روان‌شناسی رشد(1)،تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها(سمت) 1383.
14. سیدنی،جوراد،تدلاند سمن،ترجمه فرهاد منصف،شخصیت سالم از دیدگاه روان‌شناسی انسان گرا، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، چاپ اول، 1387.
15. شرفی،محمد رضا،دنیای نوجوان،مؤسسه فرهنگی منادی تربیت،چاپ هفتم، 1383.
16. شعاری‌نژاد،علی اکبر،روان‌ شناسی رشد،مؤسسه اطلاعات، تهران: 1378
17. طوسی،محمد بن حسن،امالی، ترجمه:حسن زاده،انتشارات اندیشه هادی،قم: 1388.
18. کارول، براون، روان‌ شناسی رشد،ترجمه:علی‌ اکبر دهکردی،تهران: نشر روان، 1393.
19. ل، ج، کرانباخ،روان‌شناسی تربیتی، ترجمه:رضوی، انتشارات دهخدا، تهران: 1351.
20. لنگرودی،محمدجعفر،مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج3،چاپ دوم، 1381،نشر گنج دانش.
21. ماریانا کتی،رشد مهارت‌های اجتماعی،رفتاری و هیجانی کودکان،ترجمه:مژگان حیاتی،تهران: نشر دانژه، 1393.
22. معیری،محمد طاهر ،بچه‌های خوب، پرورش بد،تهران: امیر کبیر، 1378.
23. ونَدِر زَندِن،جیمز، روان شناسی رشد،ترجمه:حمزه گنجی،تهران: مؤسسه نشر ساوالان،چاپ دوم، 1385.
1. . استاد همکار جامعه المصطفی العالمیه [↑](#footnote-ref-1)
2. . دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی [↑](#footnote-ref-2)